

# اشک شوق این بچه‌ها شوکه‌مان کرد

گفت و گو با مدیر عامل شیر خوار گاه احسان که ویدئوی بردن کودکان بی سرپرست خیریه‌شان با همت یک نیکوکار گمنام تبریزی به بازار و خریدن هر چیزی که دوست دارند، تحسین کاربران شبکه‌های اجتماعی را برانگیخت

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۳ آبان ۱۴۰۳

۲۰ ربیع الثانی ۱۴۴۶ • ۲۴ اکتبر ۲۰۲۴

شماره ۲۱۶۱۶

۲۸۳۵



## زن نیکوکار گفت

ذوق این کودکان برای عمرم کافی است



از مدیر عامل شیر خوار گاه احسان تبریز می‌پرسم که آیا آن فرد نیکوکار تبریزی در زمان بازارگردی بچه‌ها، لحظه‌ای پیش نیامد که منصرف شود و بگوید بقیه هزینه‌هایش را نمی‌تواند تقبل کند که او می‌گوید: «من وسط خریدهای آن روز و زمانی که قرار شد پول کفش‌ها را حساب کنیم، دیدم که تقریباً ۱۷ میلیون شده‌است. آن خانم نیکوکار، آن روز همراه ما آمده بود. پیش او رفتم و گفتم خانم فلانی، شما لازم نیست که در ورودی بایستی گیر کنید، هر جا دیدید که هزینه‌ها زیاد شده به ما بگویید. گفت من الان دارم نهایت لذت را می‌برم. وقتی خوشحالی این بچه‌ها را می‌بینم، حالم خیلی بهتر می‌شود. بنابراین هر قدر لازم باشد، هزینه‌می‌کنم. آن

## ماه آینده برای زیارت امام رضا(ع)

به مشهد می‌آییم

از «درمبار» می‌پرسم تا حالا باز بچه‌های شیر خوار گاه را به بازار برده بودید و آیا برنامه‌های تفریحی و فرهنگی دیگری برای آن‌ها دارید یا نه که می‌گوید: «بازارگردی به صورت دسته جمعی برای اولین بار بود که با بچه‌های خیریه رفتیم. ما در گذشته، بچه‌ها را تکی تکی برای خرید لباس، چندین بار برده بودیم اما دسته جمعی با بچه‌ها به یک بازار که تقریباً در شلوغ‌ترین جای شهر است، نرفته بودیم. اتفاقاً الان که با شما صحبت می‌کنم، باید بگویم که دیشب همه بچه‌ها را به سینما جالام است از آن‌ها بابت همکاری‌شان تشکر کنم».

## خوشحالی این کودکان گره‌های بزرگی را باز می‌کند

بچه‌های زیر سه سال و یکی برای بچه‌های بالای سه سال، یک‌شماره حساب هم داریم که مردم می‌توانند به نام شیر خوار گاه احسان که در پیچ و سایت مان هست، مبالغی را واریز کنند. مردم نیکوکار کشور می‌توانند از آن طریق به ما کمک کنند و در ثواب این کارهای خیر شریک شوند. مطمئن باشید که خوشحالی این کودکان معصوم گره‌های بزرگی از زندگی‌تان باز خواهد کرد».



مدیر عامل شیر خوار گاه احسان تبریز درباره این که خیریه‌شان از چه سالی شروع به کار کرده درباره دیگر برنامه‌های‌شان می‌گوید: «شیر خوار گاه احسان تنها مرکز نگهداری کودکان بدسرپرست و بی سرپرست ۶ سال در استان آذربایجان شرقی است. این جاتقریباً ۴ سال است که به بخش خصوصی واگذار شده است و ما در خدمت بچه‌ها هستیم. این جا در حال حاضر، کاملاً غیر دولتی است یعنی صفر تا صد هزینه‌هایش توسط کمک‌های مردمی تأمین می‌شود. هم اکنون، ۶۱ کودک بی سرپرست و بدسرپرست در این مرکز نگهداری می‌شوند. محدوده سنی بچه‌های اینجا از صفر تا ۶ سال است. دو ساختمان داریم. یکی برای

[...]

بعد از این تجربه اخیر و خوشحالی که در چشم بچه‌ها دیدیم و اثرات آن که بعد از چندین روز هنوز در رفتار و گفتار بچه‌ها نمود دارد، تصمیم گرفتیم این کار را سالی دو بار انجام بدهیم. یکی نزدیکی‌های عید نوروز و یکی آغاز سال تحصیلی

[...]

ما در مرکز شیر خوار گاه، اسباب‌بازی زیاد داریم که توسط نیکوکارها خریداری و به آن‌ها هدیه داده شده اما بچه‌ها آن اسباب‌بازی را که خودشان از فروشگاه خریده بودند، بیشتر دوست داشتند. اسباب‌بازی‌هایی که آن روز از بازار خریدند، آن قدر برای‌شان جذاب بود که الان هر شب که می‌خواهند بخوابند، آن اسباب‌بازی‌ها را بغل می‌کنند و حتی یک لحظه دوست ندارند که از آن‌ها جدا شوند. این هم بخش دیگری از حس و حالی بود که بچه‌های مان توانستند در آن روز تجربه کنند و با گذشت چند روز، هنوز آثار آن در ذهن و روان‌شان باقی مانده است».



## حتی یک بار نگفتیم فلان جنس را نخرید

از او می‌پرسم که آیا در این بازارگردی پیش آمد که بچه‌ها چیزی را انتخاب کنند و شما مخالفت کنید که می‌گوید: «ما تصمیم گرفته بودیم در این بازارگردی به بچه‌ها اجازه بدهیم تا خودشان کیف‌ها، کفش‌ها و حتی اسباب‌بازی‌های متفاوت را ببینند و بر اساس نظر و سلیقه و نیاز خودشان انتخاب کنند. در همه لحظات حضور در بازار به انتخاب‌شان احترام می‌گذاشتیم. حتی یک بار هم در این بازارگردی نگفتیم، این نه، فلان چیز را نخر یا ... در زمان خرید، بچه‌ها هم اصلاً به قیمت توجه نداشتند و برای ما مهم بود که آن‌ها فقط انتخاب کنند و انجام خرید با ما باشد. وقتی دیدیم که خیلی ذوق خرید دارند، تصمیم گرفتیم همان چیزی را که خودشان پسند می‌کنند، برای‌شان بخریم چون برای‌شان خیلی جذاب بود. نمی‌خواستیم این حس خوب با دخالت ما، تحت الشعاع قرار بگیرد».



## بچه‌ها با بغل کردن اسباب‌بازی‌هایی که خودشان خریدند، می‌خوابند

او به یک رفتار مشترک و متفاوت بچه‌ها بعد از خرید اسباب‌بازی توسط خودشان اشاره می‌کند و می‌گوید: «یک نکته جالب دیگر این که ما در مرکز شیر خوار گاه، اسباب‌بازی زیاد داریم که توسط نیکوکارها خریداری و به آن‌ها هدیه داده شده اما بچه‌ها آن اسباب‌بازی را که خودشان از فروشگاه خریده بودند، بیشتر دوست داشتند. اسباب‌بازی‌هایی که آن‌روز از بازار

## قرار شد بازارگردی را سالی دوبار در برنامه بگذاریم

از مدیر عامل شیر خوار گاه احسان تبریز می‌پرسم این برنامه بازارگردی ادامه دار خواهد بود یا خیر که می‌گوید: «بله، بعد از این تجربه اخیر و خوشحالی که در چشم بچه‌ها دیدیم و آثار آن که بعد از چندین روز هنوز در رفتار و گفتار بچه‌ها نمود دارد، ما تصمیم گرفتیم که این کار را سالی دوبار انجام بدهیم. یکی نزدیکی‌های عید نوروز که بچه‌های مان از آن حس و حال بازار در روزهای پایانی سال و آغار بهار بی‌بهره نشوند و یکی آغاز سال تحصیلی که شور زیادی بین بچه‌ها به پا می‌شود. علی‌الحساب قرار شد که در این دو تاریخ خاص، برنامه بازارگردی به همین شکلی که این دفعه برگزار شد، برای این کودکان انجام شود».



مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

یک ویدئوی ۴۰ ثانیه‌ای با عنوان «بازارگردی ستاره‌های بی‌آسمان» در فضای مجازی، روایتگر تکاپوی دوست‌داشتنی و تجربه بی‌نظیر تعدادی کودک بی‌سرپرست و بدسرپرست شد. کودکانی که چشم‌هایشان از شادی برق می‌زد و در مغازه‌ها با شوق و ذوق، از این طرف به آن طرف می‌پریدند. آن‌ها دچار یک سردرگمی دلچسب شده بودند و باید از بین تعداد زیادی کفش، کیف، لباس و ... با طرح‌های مختلف، یکی را برای خودشان انتخاب می‌کردند و می‌خریدند. قرار هم بود اصلاً به قیمت‌ها کار نداشته باشند و فقط به حرف دل‌شان گوش دهند. این برای اولین بار بود که می‌توانستند بر اساس سلیقه‌شان تصمیم بگیرند که چه لباسی بخرند، چه کفشی بپوشند و با چه کیفی هر روز راهی مدرسه شوند. این‌ها بچه‌های شیر خوار گاه احسان تبریز هستند که به لطف یک نیکوکار گمنام تبریزی یک‌روز تمام هر چه را خواستند، به دست آورده‌اند. به لطف این خیر همه بچه‌ها با مربیان‌شان به بازار تبریز رفتند تا برای خود لباس، کفش، خوراکی و ... انتخاب کنند. بچه‌های این شیر خوار گاه دیدند، لذت بردند و خرید کردند. به بهانه پر بازدید شدن این ویدئو در شبکه‌های اجتماعی با «علا محسین درمبار»، مدیر عامل شیر خوار گاه احسان تبریز درباره آن روز، حس و حال بچه‌ها موقع خرید، هزینه‌هایش و ... صحبت کردیم. با ما باشید.

## می‌خواستیم بچه‌ها حس خرید را تجربه کنند

به عنوان اولین سوال از مدیر عامل شیر خوار گاه احسان تبریز درباره این تصمیم متفاوت و بردن این کودکان به بازار می‌پرسم که ویدئویش هم خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی پر بازدید شد؛ او می‌گوید: «قرار بود ما بچه‌ها را به خاطر این که تنوعی در زندگی‌شان اتفاق بیفتد و حس خرید را تجربه کنند، ببریم برای بازارگردی. تجربه حس خرید برای بچه‌های بسیاری از خوانندگان این مطلب و کاربران شبکه‌های اجتماعی یک اتفاق عجیب و خاص نیست اما برای این کودکان، اولین بار بود که اتفاق می‌افتاد بنابراین هیجان زیادی داشتند».

## از کفش و کیف تا اسباب‌بازی خریدیم

«درمبار» درباره شروع روزی که با بچه‌ها راهی بازار شدند، می‌گوید: «وقتی اعلام کردم که خیریه ما تصمیم به چنین کاری دارد، یک نیکوکار تبریزی دست به کار شد و گفت که هزینه خرید تمام پوشاک و کفش و اسباب‌بازی به عهده من باشد. ما هم استقبال کردیم و قرار شد که برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی‌های لازم برای حضور کودکان در بازار توسط خیریه ما انجام شود. صبح زود از شیر خوار گاه تقریباً ۲۵ نفر از بچه‌هایمان را به یک بازار بزرگ در تبریز بردیم».

## هزینه این بازارگردی

۸۵ میلیون تومان شد

«آن‌روز یک بازارگردی داشتیم که مورد استقبال بچه‌ها قرار گرفت. البته این بچه‌ها بعد از خرید کفش و کیف و اسباب‌بازی، ناهار را هم در همان بازار میل کردند». مدیر عامل شیر خوار گاه احسان تبریز درباره جمع هزینه‌های این خریدها می‌گوید: «بعد از این که خریدها تمام شد یعنی بچه‌ها برای خودشان لباس و کیف و کفش و ... خریدند، یک نیکوکار دیگر تبریزی هم بچه‌ها را به یک رستوران که در همان بازار بود، دعوت کرد. این فرد نیکوکار از قبل به ما گفته بود که هر وقت بچه‌ها را برای خرید به این بازار آوردید، برای صرف ناهار هم مهمان ما باشید. این کار هم انجام شد و بچه‌ها یک تجربه متفاوت دیگر را هم در این بازارگردی داشتند. هزینه خرید این چیزها، تقریباً ۸۵ میلیون تومان شد که همه‌اش توسط همان نیکوکار پرداخت شد».

## دوست داشتند با لباسی که انتخاب کردند،

قدم بزنند

از «درمبار» می‌خواهم که حس و حال رفتن با بچه‌های خیریه‌شان برای اولین بار به بازار را برای ما بگوید که آن ساعت‌های خاص را این‌طور روایت می‌کند: «من فقط گوشه‌ای از حس و حال آن‌ها را می‌توانم در قالب کلمات بیان کنم. حتی به نظر یک فرد بادی‌دن ویدئویی که از بچه‌ها در شبکه‌های اجتماعی پر بازدید شده، باز هم نمی‌تواند حال این بچه‌ها را توصیف و درک کند. بچه‌ها موقع خرید خیلی ذوق کرده بودند. حتی چندتا از آن‌ها احساساتی شده بودند و اشک ذوق‌شان، ما را هم شوکه کرد. هیجان زده بودند و خنده از روی لب‌هایشان محو نمی‌شد. این را هم بگویم با این که کفش‌های‌شان قدیمی و کهنه نبود و حتی کفشی که پای بعضی‌های‌شان بود، بهتر از چیزی بود که قصد خریدش را داشتند اما دوست داشتند با آن کفشی راه بروند که خودشان انتخاب کردند، دوست داشتند با آن لباسی قدم بزنند که خودشان از بین تعداد زیادی لباس دیگر با سلیقه خودشان انتخاب کردند».

